**در صورتی که قرارداد «استارت جدید» را تمدید نکنند: سناریوهای پیش روی روسیه**

منبع: سایت مرکز پیرسنتر، 2020

نویسندگان: آندری باکلیتسکی، مشاور پیرسنتر؛ یوگنی بوژینسکی، رئیس شورای پیرسنتر؛ ولادیمیر اُرلوف، مدیر پیرسنتر؛ سرگی سِمِنوف، مدیر برنامه پیر سنتر «عدم اشاعه و روسیه»

قرارداد بین روسیه و آمریکا در خصوص اقدامات برای ادامه کاهش و محدودیت تسلیحات راهبردی تهاجمی 5 فوریه 2021 خاتمه می یابد و چشم اندازهای تمدید آن نامشخص است. با توجه به اپیدمی ویروس کرونا در آمریکا و نزدیک شدن انتخابات ریاست جمهوری، بعید نیست که دولت بعدی آمریکا در خصوص تمدید آن تصمیم گیری کند: دولت دوم دونالد ترامپ یا دولت جدید دموکرات. و در حالی که تمامی مدعیان حزب دموکرات، از جمله جو بایدن، قول دادند که قرارداد استارت جدید را در صورت انتخاب شدن خود تمدید کنند، رئیس جمهور فعلی علاقه ای به این موضوع نشان نداد و مشاوران او مستقیما عدم تمایل خود را برای تمدید توافقنامه به شکل موجود آن اعلام کردند.

با توجه به غیر قابل پیشبینی بودن نتایج انتخابات ریاست جمهوری آمریکا و دشواری پیشبینی تصمیمات دونالد ترامپ، کاملا محتمل است وضعیتی پدید بیاید که پیمان استارت جدید تمدید نشود. در این صورت برای اولین بار از سال 1991 مسکو و واشنگتن قراردادی که تسلیحات تهاجمی راهبردی آنها را محدود کند نخواهند داشت. با توجه به اهمیت فاکتور هسته ای برای تأمین امنیت ملی روسیه، این سناریو نیازمند توجه و بررسی جدی است.

*بدین خاطر پیرسنتر یادداشت تحلیلی را تحت عنوان «سناریوهای محتمل در صورت عدم تمدید قرارداد بین روسیه و آمریکا در خصوص اقدامات برای ادامه کاهش و محدودیت تسلیحات تهاجمی راهبردی» تهیه کرده است که دو سناریو محتمل را در صورت عدم تمدید این قرارداد تهیه کرده است. در ذیل توجه شما را به بخش های اصلی این سند جلب می کنیم.*

**ظرفیت بالقوه برای رقابت تسلیحاتی**

از نقطه نظر نظامی-سیاسی اتمام اعتبار قرارداد استارت جدید منجر به لغو محدودیت های کمی برای توسعه نیروهای هسته ای راهبردی، توقف تبادل اطلاعات در خصوص ترکیب آنها و راستی آزمایی اطلاعات دریافتی می شود. هرچند از بین رفتن سقف هایی که در خصوص آنها توافق شده است به معنی آغاز فوری رقابت تسلیحاتی نیست (امتناع دولت رونالد ریگان از سقف های «محدودیت تسلیحات راهبردی 2» در سال 1986 منجر به افرایش ملموس تسلیحات تهاجمی راهبردی آمریکا نشد)، اما ظرفیت سیاسی و فنی برای آن پدید می آید. در چشم انداز کوتاه و میان مدت نقش اصلی را در اینجا نه تولید حامل های جدید، بلکه ظرفیت بازگشت بازی می کند: یعنی تبدیل حامل های موجود از وضعیت عدم استقرار به وضعیت استقرار و تجهیز حداکثری موشک ها به کلاهک های دارای اجزا تفکیک شونده.

|  |
| --- |
| جهت اطلاع: **ظرفیت بازگشت آمریکا**  روی 200 موشک قاره پیما بالستیک *«Minuteman-III» روی هر کدام دو کلاهک اضافی می توان نصب کرد و موشک های بالستیک زیرسطحی «Trident-II» قابلیت مجهز شدن به 8 کلاهک هسته ای بجای 5-4 کلاهک فعلی را دارند. و هرچند که آمریکا همچنین می تواند تا 60 موشک قاره پیما بالستیک «Minuteman-III» (تا 180 کلاهک هسته ای) و تا 116 موشک بالستیک زیرسطحی «Trident-II» (تا 928 کلاهک هسته ای) بیشتر مستقر کند، ذخیره فعال کلاهک های راهبردی در سال 1922 (بر اساس اطلاعات موجود در منابع در دسترس عموم) نشان می دهد که وقوع آن احتمال کمی دارد. بدین ترتیب صحبت از ظرفیت بازگشت آمریکا در سطح 3570 کلاهک واقع بینانه می باشد.* |

افزودن کلاهک های جنگی به حامل های موجود برای آمریکا به صرفه تر است. نصب تمامی کلاهک های جنگی موجود بر روی حامل های راهبردی به تسلیحات تهاجمی راهبردی آمریکا اجازه می دهد که بیش از 3500 کلاهک جنگی را در اختیار بگیرد. حداکثر ظرفیت تسلیحات تهاجمی راهبردی روسیه حدود 3200 کلاهک جنگی است، در عین حال تعداد واقعی کلاهک های جنگی موجود که در اختیار است مشخص نیست، اما به احتمال زیاد کمتر [این رقم] است. بدون احتساب محدودیت های مربوط به کلاهک های جنگی، حداکثر ظرفیت تسلیحات تهاجمی راهبردی آمریکا 4900 کلاهک می تواند باشد.

نابرابری در ظرفیت بازگشت در نتیجه نوسازی تسلیحات نیروهای موشکی راهبردی روسیه و جایگزین کردن موشک های قاره پیمای بالستیک «یارس» که کلاهک دارای اجزاء تفکیک شونده است بجای موشک های قاره پیمای بالستیک تک بلوکی «توپول-ام»، به تدریج کاهش می یابد. ضمن اینکه مسکو از نظر ظرفیت تولید موشک های جدید از واشنگتن برتری دارد. ظرف پنج سال اخیر روسیه بیش از 140 موشک قاره پیمای بالستیک را بکار گرفته است. آمریکا آخرین بار موشک قاره پیمای بالستیک جدید «مینیتمن-3» را در سال 1978 بکار گرفته است، اما انتظار نمی رود که استقرار نسل بعدی موشک های راهبردی زمین پایه پیش از سال 2030 انجام شود.

در عین حال خود عامل عدم قطعیت در رابطه با ظرفیت های طرفین مشکل دیگری را گوشزد می کند- فقدان اطلاعات مطمئن درباره ظرفیت دشمن احتمالی، مسکو و واشنگتن را وادار خواهد کرد تا سناریوهای بدبینانه را در نظر بگیرند. این موضوع زمینه را برای افزایش زرادخانه خود و رقابت تسلیحات هسته ای راهبردی فراهم می کند. اوضاع آمریکا بدین خاطر دشوار خواهد شد که واشنگتن در مرحله فاز پایانی طراحی ساختار نیروهای هسته ای خود برای دهه های آینده نزدیک است. در حال حاضر این طرح ها سقف های قرارداد محدودیت قرارداد استارت جدید را مبنا قرار می دهند (محدودیت تعداد سامانه های پرتاب موشک های بالستیک زیرسطحی روی زیرسطحی های کلاس «کلمبیا»، موشک قاره پیمای بالستیک جدید یک کلاهک دارد)، اما این طرح ها در صورت آغاز رقابت تسلیحاتی ممکن مورد تجدید نظر قرار گیرند.

|  |
| --- |
| جهت اطلاع: ظرفیت بازگشت روسیه  روسیه با افزایش تسلیحات تهاجمی راهبردی تا سطح 3205-3037 کلاهک در مقایسه با 1570 کلاهک کنونی با افزودن [کلاهک] به حامل های موجود و همچنین استقرار 22 موشک قاره پیما بالستیک *«УР-100НУТТХ» و «یارس» و تجهیز حداکثری موشک های بالستیک زیرسطحی که در زیرسطحی راهبردی «کنیاز ولادیمیر» بکار گرفته شده اند* می تواند پاسخ بدهد. در عین حال طبق ارزیابی کارشناسان مستقل آمریکایی، در آینده کوتاه مدت ظرفیت افزایش تسلیحات تهاجمی راهبردی روسیه در سطح 2440 کلاهک محدود است. |

در صورتی که قرارداد استارت جدید در فوریه 2021 خاتمه یابد مأموریت اصلی روسیه به حداقل رساندن خسارت بالقوه است. امکانات برای این کار و سناریوهای پیش رو به شدت به جهت گیری های آمریکا بستگی خواهد داشت. در اینجا دو سناریو اصلی امکانپذیر است.

**سناریو 1. حداقلی**

سناریو اول این است که آمریکا علاقه مند به محدود کردن امکانات راهبردی خود و کنترل بر تسلیحات در هر نوع از آن با روسیه نباشد. این تصمیم می تواند ادامه منطقی سیاست «آمریکا اول است» باشد که در راستای پیروزی در «رقابت ابرقدرت ها» می باشد. در این صورت امکانات مسکو برای پیشبرد دستورکار کنترل بر تسیلحات حداقل خواهد بود.

در عین حال به نفع روسیه خواهد بود که عضویت خود را در توافقنامه های موجود در راستای کاهش تهدید هسته ای و جلوگیری از مناقشه هسته ای برنامه ریزی نشده حفظ کند: (توافقنامه ایجاد مراکز کاهش خطر هسته ای سال 1987، توافقنامه اعلام شلیک موشک های قاره پیما بالستیک سال 1988، توافقنامه اعلام رزمایش های بزرگ راهبردی سال 1989)؛

 اعلامیه یکجانبه روسیه در خصوص اینکه نیروهای هسته ای راهبردی خود را افزایش نخواهد داد، تا زمانی که آمریکا این کار را انجام ندهد، می تواند ادامه موفقیت آمیز ایده های اینچنینی روسیه باشد، جامعه جهانی آن را مثبت ارزیابی خواهد کرد و می تواند استدلالی باشد برای نیروهایی در داخل آمریکا که علاقه مند به افزایش زرادخانه هسته ای نیستند؛

تبادل اطلاعات با آمریکا در خصوص وضعیت نیروهای هسته ای باید وابسته به حفظ سقف های مندرج در قرارداد استارت باشد. سنگینی [کفه] عدم توازن اطلاعاتی در این صورت، بخاطر شفافیت زیاد واشنگتن در رابطه با نیروهای هسته ای خود و ویژگی های فرایند قانونگذاری در آمریکا، به سمت روسیه خواهد بود.

بعید نیست که رویکردهای آمریکا در خصوص کنترل بر تسلیحات بعد از چهار سال با تغییر دولت تغییر کنند. در این صورت حفظ زیرساختها برای بازگشت سریع به مذاکرات و اجرای توافقنامه های جدید اهمیت دارد. بخصوص مهم است که منابع «مرکز ملی کاهش خطر هسته ای»، علیرغم کاهش شدید حجم کار آن بعد از اتمام قرارداد استارت، تمام و کمال حفظ شوند.

**سناریو 2. حداکثری**

سناریو دوم بر این مبناست که آمریکا علاقه مند به کنترل رسمی بر تسلیحات با روسیه نباشد، اما آماده حفظ *status quo*  در چارچوب تعهدات سیاسی باشد. این سناریو نیز در صورتی که واشنگتن آماده انجام مذاکرات در خصوص قرارداد جدید و توافق بر سر حفظ برخی از مفاد قرارداد استارت در میان مدت باشد، امکانپذیر می باشد. این می تواند یک توافق سازشکارانه بین رهبری سیاسی آمریکا که نمی خواهد قرارداد منعقد شده توسط دولت قبلی را تمدید کنند و بروکراسی حرفه ای (در وهله اول در وزارت دفاع) باشد. در این صورت حتی توافقات سیاسی در خصوص کنترل بر زرادخانه هسته ای آمریکا پاسخگوی منافع روسیه خواهد بود.

بلافاصله بعد از خاتمه اعتبار قرارداد استارت جدید روسیه و آمریکا می توانند طی یک بیانیه مشترک یا جداگانه اعلام کنند که آنها قصد ندارند تسلیحات راهبردی خود را بیشتر از محدودیت های مندرج قرارداد افزایش بدهند و در صورتی که چنین طرح هایی مطرح شوند، یکدیگر را مطلع خواهند کرد؛

برای روسیه و آمریکا سودمند است که به تبادل اطلاعات در خصوص حامل های راهبردی و کلاهک های جنگی در چارچوب توافق سیاسی ادامه بدهند. از جانب طرف روسی قانون فدرال [روسیه] در خصوص اسرار کشور اجازه انجام این کار را با مصوبه هیئت دولت می دهد. قانون آمریکا در خصوص انرژی هسته ای می گوید که چنین توافقی باید به اطلاع کنگره رسانده شود و در صورت عدم مخالفت از سوی اکثریت نسبی نمایندگان در دو پارلمان، واقع بینانه به نظر می رسد. طرفین باید همچنین توافقات متقابلا قابل قبول به منظور محرمانه ماندن اطلاعاتی که تبادل می شود را تنظیم کنند.

مسکو و واشنگتن می توانند همچنین در این خصوص توافق کنند که برای «عوامل فنی ملی کنترل» مانعی ایجاد نکنند. این بند در قرارداد استارت وجود دارد اما با اتمام قرارداد از بین می رود. علیرغم امکانات محدود، «عوامل فنی ملی کنترل» برای راستی آزمایی تعهداتی که طرفها بر عهده گرفته اند مفید خواهد بود (برای مثال در رابطه با استقرار کلاهک های جدید بر روی موشک های قاره پیمای بالستیک مستقر در چاه).

یکی از نتایج بلندپروازانه می تواند توافق در خصوص حفظ رژیم بازرسی بعد از اتمام قرارداد استارت باشد. مساله کلیدی در اینجا مصونیت بازرسان خواهد بود که معمولا با تنظیم قرارداد بین المللی تأمین می شود، ضمن اینکه مفاد مربوط به مصونیت پیوسته در بازرسی ها در چارچوب سند به لحاظ سیاسی تعهد آور وین در خصوص اقدامات برای تحکیم اعتماد و امنیت مورخ سال 2011 که روسیه و آمریکا عضو آن هستند، اعمال می شود. در چارچوب سند وین مطابق با کنوانسیون وین در خصوص مناسبات دیپلماتیک، بازرسان از مصونیت و حقوق ویژه برخوردار می شوند. در اینجا لازم به ذکر است که بازرسی های مرتبط با سند وین در خاک روسیه و در تأسیسات آمریکا در اروپا انجام می شود، به همین خاطر نیاز به تأیید امکان انجام این کار در بخش سرزمینی آمریکا است.

برای کدیفیکاسیون چنین توافقات دشواری نیاز به توافقنامه سیاسی بین روسیه و آمریکا است. چنین توافقنامه ای می تواند دارای مدت اعتبار نامحدود باشد و تا زمانی که قرارداد بعدی بین مسکو و واشنگتن در خصوص کنترل بر تسلیحات راهبردی به اجرا در نیاید، می تواند اعتبار داشته باشد. برای بررسی منظم مسائل فنی که در خصوص توافقات حاصل شده پدید می آیند (تبادل اطلاعات، عوامل فنی ملی کنترل، بازرسی) نیاز به یک ارگان دائما فعال نظیر «کمیسیون دوجانبه رایزنی قرارداد استارت» می باشد.

اقدامات سیاسی که در یادداشت حاضر پیشنهاد می شوند عمدتا بی سابقه هستند. در عین حال تجربه اجرای سایر توافقات سیاسی، بخصوص برجام، نشان می دهد که اجرای حتی دشوارترین مفاد بدون سند تعهد آور حقوقی در صورت وجود علاقه مندی طرفین، امکانپذیر می باشد.

**پیوست**

ظرفیت افزایش تسلیحات تهاجمی راهبردی روسیه و آمریکا در صورت اتمام اعتبار قرارداد استارت

در حال حاضر در زرادخانه آمریکا حدود 1750 کلاهک هسته ای جنگی راهبردی وجود دارد. در صورت اتمام اعتبار قرارداد استارت، آمریکا می تواند کلاهک های اضافی روی حامل هایی که مستقر هستند نصب کند. بخصوص روی 200 موشک قاره پیما بالستیک «Minuteman-III»، بر روی هر کدام می توان دو کلاهک اضافی نصب کرد، اما موشک های بالستیک زیرسطحی «Trident-II» می توانند هر کدام به جای 5-4 کلاهک کنونی به 8 کلاهک هسته ای مجهز شوند. و هرچند که آمریکا می تواند علاوه بر این تا 60 موشک قاره پیما بالستیک «Minuteman-III» (تا 180 کلاهک هسته ای) و تا 116 موشک بالستیک زیرسطحی «Trident-II» (تا 928 کلاهک هسته ای) را مستقر کند، ذخیره فعال کلاهک های راهبردی در سال 1922 (بر اساس اطلاعات موجود در منابع در دسترس عموم) وقوع آن احتمال کمی دارد. بدین ترتیب صحبت از ظرفیت بازگشت آمریکا در سطح 3570 کلاهک واقع بینانه است.

|  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- |
| **حامل** | **تعداد حامل ها** | **حداکثر تعداد کلاهک بر روی حامل** | **مجموع کلاهک ها** | |
|  |  |  | **در حال حاضر** | ظرفیت بالقوه |
| **LGM-30G Minuteman III** | 400 |  |  |  |
| **Mk12A** | 200 | 3\*W78 | 200 | 600 |
| **Mk21/SERV** | 200 | 1\*W87 | 200 | 200 |
| **مجموعا بر روی موشک های قاره پیما بالستیک** | **400** | **-** | **400** | **800 (700)** |
| **Trident II D5-LE** | 220 | - |  |  |
| **Mk4A** |  | 8/14[1] W76-0/1 |  | 1486[2][3] |
| **Mk4A (قدرت کم)** |  | 2 W76-2 |  | 50 |
| **Mk5** |  | 8 W88 |  | 384 |
| **مجموعا بر روی موشک های بالستیک زیرسطحی** | **220[4]** | **-** | **1050** | **1920** |
| **B-52H Stratofortress** | 44 (79)[5] | 12 موشک کروز هواپایه |  | 528 |
| **B-2A Spirit** | 12 | بمب های هوایی |  | 322 |
| **مجموعا بر روی بریگاد تانک** | **56** |  | **300** | **850** |
| **مجموع تسلیحات تهاجمی راهبردی** |  |  | **1373 (1750)[6]** | **3570 (3470)** |

در صورت افزایش شدید زرادخانه هسته ای آمریکا، روسیه با افزایش تسلیحات تهاجمی راهبردی تا سطح 3205-3037 کلاهک در مقایسه با 1570 کلاهک کنونی با افزودن [کلاهک] به حامل های موجود و همچنین استقرار 22 موشک قاره پیما بالستیک دیگر *«УР-100НУТТХ» و «یارس» و تجهیز حداکثری موشک های بالستیک زیرسطحی که بر روسی زیرسطحی راهبردی «کنیاز ولادیمیر» بکار گرفته شده اند،* می تواند پاسخ بدهد. در عین حال طبق ارزیابی کارشناسان مستقل آمریکایی، در آینده کوتاه مدت ظرفیت افزایش تسلیحات تهاجمی راهبردی روسیه در سطح 2440 کلاهک محدود است.

|  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- |
| **حامل** | **تعداد حامل ها** | **حداکثر تعداد کلاهک بر روی حامل** | **مجموع کلاهک** | |
|  |  |  | **در حال حاضر** | **ظرفیت بالقوه** |
| **РС-20 «وایِوُدا»** | 46 | 10 |  | 460 |
| **УР-100НУТТХ** | 2 (30) | 1/6 [7] |  | 30/170[8] |
| **РС-12М «توپول» (ПГРК)** | 45 | 1 |  | 45 |
| **РС-12М2 «توپول-ام» (ШПУ)** | 60 | 1 |  | 60 |
| **ПГРК РС-12М1 «توپول-ام»** | 18 | 1 |  | 18 |
| **ПГРК РС-24 «یارس»** | 135 | 4 |  | 540 |
| **РС-24 «یارس» (ШПУ)** | 14 | 4 |  | 56 |
| **مجموعا بر روی موشک های قاره پیما بالستیک** |  |  | **810** | **1191/1349** |
| **РСМ-50** | 16 | 7 |  | 112 |
| **РСМ-54 (سینِوا)** | 96 | 4 |  | 384 |
| **РСМ-56 «بولاوا»** | 48 (64)[9] | 10 |  | 640 |
| **مجموعا بر روی موشک های بالستیک زیرسطحی** |  |  | **560** | **1136** |
| **Ту-95МС** | 21 | 16 КРВБ |  | 336 |
| **Ту-95МСМ** | 18 | 14 КРВБ |  | 252 |
| **Ту-160** | 11 | 12 КРВБ |  | 132 |
| **مجموعا بر روی بریگاد تانک** |  |  | **200** | **720 (580)[10]** |
| **مجموع تسلیحات تهاجمی راهبردی** |  |  | **1426 (1570)** | **3205 (2440)[11]** |

**منابع:** New START Treaty Aggregate Numbers Fact Sheet, Bureau of Arms Control, Verification and Compliance, Department of State; U.S. Nuclear Forces 2020; Russian Nuclear Forces 2020; Стратегическое ядерное вооружение России; Ярослав Вяткин. Ликвидация договора СНВ-3: кто в выигрыше? Военное обозрение.

[1] При максимальной нагрузке БРПЛ «Трайдент-II» способна нести до 14 БЧ W76-0.

[2] При использовании БЧ W76-0 может составить 2600 боезарядов. Столь резкое наращивание маловероятно, т.к. в распоряжении США имеется всего 3822 ЯБЧ, включая НСЯО. Из них, по оценкам Ганса Кристенсена, развёрнуты около 1750, ещё порядка 2050 находятся в активном резерве. К тому же, БЧ W76-0 постепенно списываются в связи с сомнениями в их надёжности

[3] Всего в распоряжении ВМС США, по оценкам, Кристенсена, 1600 боеголовок W76-1

[4] Потенциально США могут развернуть до 328 БРПЛ, т.к. часть ПУ БРПЛ «Трайдент-2» не были переоборудованы в соответствие с процедурами ДСНВ

[5] Россия не признаёт необратимость переоборудования 41 бомбардировщика B-52H под неядерные миссии

[6] По правилам зачёта ДСНВ/фактический уровень

[7] При использовании только с ГПББ «Авангард»/при использовании с РГЧ ИН

[8] В случае использования всех 30 МБР под ГПББ «Авангард»/в случае развёртывания 28 ракет с РГЧ ИН

[9] С учётом РПКСН «Князь Владимир», который, как ожидается, войдёт в состав Северного флота в июне 2020 г.

[10] По оценке Кристенсена, в распоряжении России имеется всего 580 боезарядов для применения на ТБ

[11] По оценке Кристенсена, всего у России имеется 1570 развёрнутых и порядка 870 стратегических ядерных боезарядов в резерве

اطلاعات نشر مقاله:

Индекс Безопасности № 7(11), 2020

<https://www.pircenter.org/articles/2218-3808361>